

در کوتاه‌ترین زمان ممکن ۸۰ درصد فعالیت‌های بانک به پایدار ی رسیده است



عضو هیئت مدیره بانک سپه آخرین اقدامات انجام شده برای پایداری خدمات این بانک را تشریح کرد. به گزارش اقتصادسراسر آمد، مصطفی پرتوافکنان عضو هیئت مدیره بانک سپه، گفت: از ابتدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه کشورمان، تاکنون با تلاش شبانه‌روزی مدیران و کارکنان این بانک، در کوتاه‌ترین زمان ممکن ۸۰ درصد فعالیت‌های بانک به پایداری رسیده است.

دکتر پرتوافکنان با اشاره به انجام خدمات مبتنی بر سپرده و کارت اظهار کرد: خدماتی مانند گردش حساب، انتقال وجه، صدور و تغییر رمز کارت‌ها، سالتانو و پایا و صدور کارت‌های هدیه و بن کارت سازمان‌ها در حال حاضر قابل انجام است. وی با اشاره به از سرگیری خدمات حضوری و غیر حضوری بانک سپه طبق وعده قبلی، افزود: موضوع و کالتی شلدن حساب‌های مشترکان برای ثبت نسام خودرو، تعیین شعبه برای ۱۰ هزار متقاضی در یافت تسهیلات قرض الحسنه ازدواج و فرزندآوری، پرداخت تسهیلات به ۱۴ هزار پرونده تسهیلات، ازجمله اقداماتی است که در این راستا صورت گرفته است.

عضو هیئت مدیره بانک سپه از ورود موفق روزانه بیش از یک میلیون و ۴۰۰ هزار مراجعه به اینترنت بانک و همراه بانک سپه خبر داد و از مشتریان بانک خواست تا نسخه جدیدی همراه بانک سپه رااز بازارگاه‌های اینترنتی دریافت کنند.

دکتر پرتوافکنان با بیان اینکه هم‌اکنون ۴ هزار و ۱۳۰ دستگاه خودپرداز در ۲۸۳۰ شعبه سراسر کشور بانک سپه فعال است، خاطر نشان کرد: بیش از ۸۰ هزار فقره چک نیز از طریق سامانه چکاوک در حال تعیین وضعیت است.وی در پایان ضمن پوشش مجدد از تمامی مشتریان بانک سپه، ابراز کرد: امیدوارم با گذر از این دوره کوتاه و رسیدن به پایداری کامل سامانه‌ها، بانک سپه مطلوب تر و قوی‌تر از گذشته در خدمت هم میهمان عزیزمان باشد.

ارائه تسهیلات طرح طلوع ویژه مشتریان بان فعال بانک ایران زمین



بانک ایران زمین با هدف تکمیل ارائه خدمات اعتباری و افزایش رضایت مشتریان خود اقدام به اعطای تسهیلات طلوع، ویژه مشتریان فعال این بانک کرده است. به گزارش اقتصادسراسر آمد، مشتریان فعال بانک ایران زمین که تراکشن‌های بالایی در طول روز و ماه دارند با توجه به میانگین سپرده های خود می توانند تا ۳ برابر میانگین ایجاد ی ۵۰۰ میلیون ریال تا ۷ میلیارد ریال با پس بازپرداخت نهایتاً ۳۳ ماه تسهیلات طلوع دریافت کنند. مشتریان گرامی می توانند جهت اطلاع از طرح های بسته تسهیلات ایران یار بانک ایران زمین با مرکز ارتباط با مشتریان بانک ایران زمین به شماره ۰۲۱۴۸۰۹ تماس حاصل کنند.

اداره کل ثبت اسناد واملاک استان کرمانشاه
اداره ثبت اسناد واملاک حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساخته‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساخته‌های فاقد سند رسمی
برابر برای شماره ۰۰۱۰۶۳۳۰۰۱۰۴۶۰۱۴۰۳۱۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۱۴ هیات اول/موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساخته‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای اخاتم رضا پورنفرزندمرتضی بشماره شناسنامه ۱۱۰۶ و کدملی ۳۲۵۶۸۱۸۴۲ صادره از کرمانشاه به آدرس بلوار شهید بهشتی ضلع شرقی پارک شاهد مبنی برصورند مالکیت نسبت به ششدانگ اعیان یکپاک ساختمان مسکونی و محوطه متصل به آن به مساحت ۲۶۹۸۴۵۰ متر مربع در محدوده قسمتی از پلاک ۳۷ اصلی واقع دربخش یک حومه حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک همچنین موافقت اداره اوقاف با صدورسنداعیان بنام متقاضی متقاضی بررسی های محلی کار شناسن از حکایت از عدم تعارض و بلامعارض بودن تصرفات متقاضی دارد مرکز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الفد ۱۸۸۷ تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹ تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴

سجاد مؤیدی -رئیس ثبت اسناد واملاک



سپیده گرهه اقتصاد-مرتضی فاخری -خام‌فروشی» یعنی فروش مواد اولیه و طبیعی بدون فرآوری و افزودن ارزش که در نقطه مقابل صادرات محصولات فرآوری‌شده قرار می‌گیرد. این عمل، اگرچه در کوتاه‌مدت می‌تواند درآمدزا باشد، اما پیامدهای بلندمدت و بحران‌سازی برای اقتصاد هر کشوری به همراه دارد. وابستگی شدید به درآمدهای حاصل از فروش موادخام، اقتصاد را در برابر نوسانات قیمت‌های جهانی بسیار آسیب‌پذیر می‌کند. این وابستگی همچنین مانع از ایجاد ارزش‌افزوده در داخل کشور شده و فرصت‌های شغلی مولد را از بین می‌برد.

به گزارش روزنامه اقتصاد سراسر آمد، مرتضی فاخری، محقق و پژوهشگر در مطلبی اختصاصی برای این روزنامه به بررسی تبعات و آسیب‌های خام‌فروشی برای اقتصاد کشور های مختلف پرداخته است. او در این نوشتار علاوه‌بر آسیب‌های اقتصادی نگاهی به چالش‌ها و بحران‌های اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی ناشی از خام‌فروشی نیز پرداخته است. این مطلب را در ادامه می‌خوانید.

در نتیجه سیاست خام‌فروشی، صنایع داخلی توسعه نیافته و کشور به واردات کالاهای ساخته‌شده از همان مواد اولیه‌ای که خود صادر کرده، وابسته می‌شود. این چرخه معیوب، قدرت رقابت‌پذیری محصولات داخلی را کاهش داده و کشور را در جایگاه تأمین‌کننده صرف مواد اولیه نگه می‌دارد. پیامدهای زیست‌محیطی ناشی از استخراج بی‌رویه و همچنین توزیع ناعادلانه ثروت و ایجاد رانت‌های اقتصادی از دیگر عوارض جدی خام‌فروشی است که می‌تواند به بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی نیز منجر شود.

وابستگی اقتصادی و آسیب‌پذیری در برابر نوسانات بازارهای جهانی

وابستگی اقتصاد به درآمدهای حاصل از فروش مواد اولیه، یکی از اساسی‌ترین چالش‌هایی است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه به آن رویه‌رو هستند. این وابستگی به این دلیل شکل می‌گیرد که بخش قابل توجهی از صادرات و درآمدهای ارزی کشور به فروش منابع طبیعی و موادخام مانند نفت، گاز، فلزات، مواد معدنی و محصولات کشاورزی اولیه اختصاص می‌یابد. در این مدل اقتصادی، کشور به جای آنکه از توانمندی‌های تولیدی و فناوریانه خود برای خلق ارزش‌افزوده استفاده کند، صرفاً نقش تأمین‌کننده مواد اولیه را برای کشورهای توسعه‌یافته ایفا می‌کند. تأثیر نوسانات قیمت جهانی ایسن موادخام برسر بودجه و شاخص‌های اقتصادی بسیار عمیق و گسترده است. زمانی که قیمت‌ها در بازارهای جهانی افزایش می‌یابد، کشورهایی که به صادرات موادخام وابسته هستند، با افزایش ناگهانی درآمدهای ارزی مواجه می‌شوند. این امر می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌های دولتی، افزایش واردات و در نهایت تورم شود. از سوی دیگر، کاهش قیمت‌ها می‌تواند بحران‌های جدی اقتصادی را به همراه داشته باشد؛ کاهش شدید درآمدهای ارزی، کسری بودجه گسترده، کاهش سرمایه‌گذاری‌های دولتی، افزایش بیکاری، افت رشد اقتصادی و حتی بحران بدهی را در پی خواهد داشت. این چرخه نامنظم و پرنوسان، برنامه‌ریزی اقتصادی بلندمدت را بسیار دشوار می‌سازد و اقتصاد را در برابر شوک‌های خارجی به شدت آسیب‌پذیر می‌کند.

کشورهای متعددی در آفریقا، آمریکای لاتین و حتی برخی کشورهای آسیایی با این چالش رویه‌رو هستند. برای مثال، بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت در آفریقا، با وجود داشتن منابع عظیم نفتی، به دلیل نوسانات شدید قیمت نفت، شاهد دوره‌های رونق و رکود اقتصادی شدیدی بوده‌اند. این کشورها در دوران رونق نفتی، سرمایه‌گذاری کافی در بخش‌های غیرنفتی انجام نداده‌اند؛ با کاهش قیمت نفت، با مشکلات عدیده‌ای از جمله فقر، بیکاری و تورم مواجه شده‌اند. نمونه دیگر، کشورهایی هستند که وابستگی شدیدی به صادرات یک یا دو محصول کشاورزی یا معدنی دارند؛ افت قیمت این محصولات در بازارهای جهانی، می‌تواند کل اقتصاد آن کشور را تحت تأثیر قرار دهد. این تجربیات نشان می‌دهد که وابستگی به خام‌فروشی، مانع از دستیابی به توسعه پایدار و اقتصادی تاب‌آور می‌شود.

عدم ایجاد ارزش‌افزوده و از دست رفتن فرصت‌های شغلی

عدم ایجاد ارزش‌افزوده در فرایند خام‌فروشی، یکی از اساسی‌ترین پیامدهای زیانبار این پدیده اقتصادی است. ارزش‌افزوده به معنای افزایش ارزش یک محصول یا خدمت در هر مرحله از زنجیره تولید است؛ به عبارت دیگر، تبدیل مواد اولیه به محصولات با ارزش‌تر و پیچیده‌تر که این فرایند از طریق صنایع تبدیلی و تکمیلی صورت می‌گیرد. هنگامی که یک کشور صرفاً به فروش مواد اولیه خام اکتفا می‌کند، این ارزش‌افزوده باقی‌و در داخل کشور ایجاد نمی‌شود و نصیب کشورهای واردکننده و صنایع فرآوری‌کننده آن‌ها می‌شود. مقایسه اشتغالزایی در صنایع استخراجی با صنایع فرآوری‌کننده، گویای عمق این مشکل است. صنایع استخراجی، به‌ویژه در بخش معدن و نفت، به‌طور معمول به نیروی کار کمتری نسبت به صنایع فرآوری‌کننده نیاز دارند و عمده اشتغالزایی در این بخش‌ها نیز به صورت مستقیم و با مهارت‌های تخصصی خاص صورت می‌گیرد. در مقابل، صنایع تبدیلی و تکمیلی که موادخام

مقایسه قدرت رقابتی کالاهای خام با محصولات دانش‌بنیان و فرآوری‌شده، این نکته را روشن می‌سازد. کالاهای خام، مانند نفت‌خام، سنگ‌معدن یا محصولات کشاورزی اولیه، عمدتاً در بورس‌های کالایی معامله می‌شوند و قیمت‌گذاری آن‌ها تابعی از عرضه و تقاضای جهانی است. این محصولات فاقد برندیگ یا تمایز خاصی هستند و کشور صادرکننده نقش چندانی در تعیین قیمت یا ارزش‌گذاری آن‌ها ندارد، اما محصولات فرآوری‌شده و دانش‌بنیان، مانند خودرو، تجهیزات الکترونیکی، دارو، نرم‌افزار یا محصولات غذایی بسته‌بندی‌شده و با برند مشخص، علاوه‌بر ارزش مادی، دارای ارزش فکری و نوآوری هستند. این محصولات می‌توانند با برندسازی قوی، کیفیت برتر و خدمات پس از فروش، جایگاه و ویژگی‌ای در بازارهای جهانی پیدا کنند و سودآوری قابل توجهی را برای کشور صادرکننده به ارمغان بیاورند.

در واقع، خام‌فروشی باعث می‌شود کشور در جایگاه یک تأمین‌کننده مواد اولیه باقی بماند و نتواند به صادرکننده محصول نهایی و نوآور تبدیل شود. این امر منجر به تداوم وابستگی اقتصادی، کاهش فرصت‌های اشتغال پایدار و عدم دستیابی به توسعه پایدار می‌شود. تازمانی که این چرخه معیوب ادامه دارد، کشور قادر نخواهد بود از ظرفیت‌های کامل اقتصادی خود استفاده کند و همواره در معرض فشار قیمت‌گذاری‌های جهانی و رقابت صرفاً بر سر هزینه قرار خواهد داشت.

پیامدهای زیست‌محیطی ناشی از خام‌فروشی

استخراج و حمل‌ونقل موادخام، به‌ویژه در مقیاس وسیع، اثرات مخرب و جبران‌ناپذیری بر محیط‌زیست به جا می‌گذارد. فرایندهای استخراج معادن و نفت و گاز اغلب با تخریب گسترده زمین، جنگل‌زدایی و تغییر کاربری اراضی همراه است که منجر به سرایش خاک، از بین رفتن تنوع زیستی و اختلال در اکوسیستم‌های طبیعی می‌شود. علاوه‌بر این، فعالیت‌های استخراجی اغلب با تولید حجم عظیمی از پساب‌های آلوده همراه است که حاوی فلزات سنگین، مواد شیمیایی سمی و سایر آلاینده‌ها است این پساب‌ها در صورت عدم‌مدیریت صحیح، می‌توانند منابع آب سطحی و زیرزمینی را به شدت آلوده کرده و سلامت اکوسیستم‌های آبی و موجودات زنده در آن‌ها را تهدید کنند. حمل‌ونقل موادخام نیز از طریق خطوط لوله، کشتی‌ها یا کامیون‌ها با خطر نشست و حوادث زیست‌محیطی همراه است که می‌تواند منجر به آلودگی های گسترده نفتی یا شیمیایی در خشکی و دریا شود.



تمرکز بر استخراج و خام‌فروشی باعث می‌شود سرمایه‌گذاری کافی در صنایع پاک و فرآوری‌شده صورت نگیرد. در حالی که صنایع تبدیلی می‌توانند با استفاده بهینه از منابع و به‌کارگیری فناوری‌های نوین، اثرات زیست‌محیطی را به حداقل برسانند، اولویت‌دهی به استخراج صرف، مانع از توسعه این صنایع و به‌کارگیری رویکردهای پایدار در بهره‌برداری از منابع می‌شود. این عدم سرمایه‌گذاری در صنایع پاک، به معنای تداوم روند تخریب محیط‌زیست و نادیده گرفتن الزامات توسعه پایدار است.

تأثیرات بلندمدت زیست‌محیطی ناشی از خام‌فروشی، ابعاد گسترده‌ای دارد و مستقیماً بر سلامت جامعه و آینده توسعه پایدار تأثیر می‌گذارد. آلودگی هوا ناشی از فعالیت‌های استخراجی و حمل‌ونقل می‌تواند منجر به بیماری‌های تنفسی و قلبی در جوامع محلی شود. آلودگی منابع آب، دسترسی به آب آشامیدنی سالم را محدود کرده و سلامت انسان و حیوانات را به خطر می‌اندازد. تخریب زمین و از بین رفتن تنوع‌زیستی، توانایی اکوسیستم‌ها را برای ارائه خدمات حیاتی مانند تصفیه آب‌وهوا و حاصلخیزی خاک کاهش می‌دهد. در نهایت، این تخریب‌های زیست‌محیطی، پایه‌های توسعه پایدار را سست کرده و نسل‌های آینده را از بهره‌مندی از منابع طبیعی و محیط زیست سالم محروم می‌سازد.

پیامدهای اجتماعی و سیاسی

خام‌فروشی علاوه‌بر پیامدهای اقتصادی و زیست‌محیطی، عواقب جدی اجتماعی و سیاسی نیز به همراه دارد. یکی از مهم‌ترین این پیامدها، عدم توزیع عادلانه ثروت حاصل از منابع طبیعی است. درآمدهای کلان ناشی از فروش موادخام اغلب به جای آنکه به صورت عادلانه در جامعه توزیع شده و صرف توسعه زیرساخت‌ها، آموزش و بهداشت عمومی شود، در دست عده‌ای معدود متمرکز شده و منجر به شکاف طبقاتی عمیق‌تر می‌شود. این تمرکز ثروت، زمینه را برای ایجاد رانت و فساد در حوزه‌های استخراج و صادرات موادخام فراهم می‌کند؛ جایی که دسترسی به مجوزها، سهمیه‌ها و قراردادهای پر سود،

«سرمآمد» بررسی کرد؛

بحران‌های اقتصادی زیر سایه خام‌فروشی

خام‌فروشی با چه تبعات اجتماعی و سیاسی همراه است؟

غالباً از طریق روابط و نه شایستگی صورت می‌گیرد و این خود، موجب بی‌اعتمادی عمومی به نظام اقتصادی و سیاسی می‌شود. تأثیر خام‌فروشی بر انسجام اجتماعی و ایجاد نارضایتی عمومی نیز انکارناپذیر است. زمانی که بخش قابل توجهی از ثروت ملی صرفاً از طریق فروش یک یا چند ماده خام اولیه حاصل می‌شود و این ثروت به‌طور شفاف و عادلانه به منافع عمومی تبدیل نمی‌شود، این حس در جامعه مشکل می‌گیرد که منابع کشور به به درستی مدیریت نمی‌شود. این احساس، همراه با تبعیض در دسترسی به فرصت‌ها و بی‌عدالتی اقتصادی، می‌تواند به تدریج انسجام اجتماعی را خدشه‌دار کرده و منجر به نارضایتی‌های عمومی شود.

علاوه‌بر این، درآمدهای نفتی و حاصل از خام‌فروشی می‌توانند به ابزاری سیاسی تبدیل شوند. دولت‌ها ممکن است از این درآمدها برای مقاصد سیاسی و حفظ قدرت خود استفاده کنند؛ مثلاً با ارائه یارانه‌های گسترده و غیرهدفمند با افزایش پروژه‌های نمایی، رضایت کوتاه‌مدت بخشی از جامعه را جلب کنند، بدون آنکه به فکر توسعه پایدار و ایجاد منابع درآمدی متنوع باشند. این رویکرد، وابستگی سیاسی به درآمدهای حاصل از فروش منابع را افزایش داده و مانع از اصلاحات ساختاری لازم برای خروج از اقتصاد تک‌محصولی می‌شود و در بلندمدت می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی منجر شود.

راهکارها و پیشنهادات

برای عبور از بحران خام‌فروشی و حرکت به سمت اقتصادی پایدار و ارزش آفرین، مجموعه‌ای از راهکارها و سیاست‌گذاری‌های هدفمند ضروری است. در وهله اول، دولت باید با اتخاذ سیاست‌های حمایتی قاطع، زمینه را برای توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی فراهم آورد. این حمایت‌ها می‌تواند شامل ارائه تسهیلات بانکی با نرخ بهره پایین، معافیت‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاری در این صنایع و تسهیلگری در فرایندهای اداری و اخذ مجوزها باشد. هدف اصلی، تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در فرآوری مواد اولیه داخلی و ایجاد ارزش‌افزوده است.

تخصیص بخشی از درآمدهای حاصل از فروش موادخام به سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و نوآوری نیز امری حیاتی است. این منابع باید صرف تحقیقات، دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان شود تا بتوانند فناوری‌های جدید را توسعه داده و محصولات نوآورانه با قابلیت رقابت در بازارهای جهانی تولید کنند. همچنین اصلاح نظام مالیاتی و گمرکی نقش کلیدی در این تحول ایفا می‌کند. اعمال تعرفه‌های صادراتی بر موادخام و ارائه مشوق‌های مالیاتی و گمرکی برای صادرات محصولات فرآوری‌شده، انگیزه لازم را برای تولیدکنندگان داخلی ایجاد خواهد کرد.

تقویت دیپلماسی اقتصادی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. باید با برقراری ارتباطات قوی با کشورهای هدف و شناسایی بازارهای جدید برای محصولات غیرنفتی و دانش‌بنیان، صادرات کشور را تنوع بخشید. این رویکرد نه‌تنها وابستگی به بازارهای سنتی را کاهش می‌دهد، بلکه فرصت‌های جدیدی برای رشد اقتصادی ایجاد می‌کند. در نهایت، شفافیت در مدیریت درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی و هدایت این درآمدها به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد و توسعه زیرساخت‌ها، اعتماد عمومی را جلب کرده و مانع از انحراف این ثروت ملی به سمت رانت و فساد می‌شود. اجرای همه‌جانبه این راهکارها می‌تواند کشور را از چنگال خام‌فروشی رها کرده و به سمت توسعه پایدار و اقتصادی پویا برهنموز سازد.

خام‌فروشی، به عنوان یک الگوی اقتصادی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به پیکره اقتصاد کشور وارد می‌آورد که در رأس آن‌ها می‌توان به وابستگی شدید به درآمدهای ناشی از فروش مواد اولیه و در نتیجه آسیب‌پذیری در برابر نوسانات بازارهای جهانی اشاره کرد. این رویکرد با عدم ایجاد ارزش‌افزوده در داخل کشور، فرصت‌های شغلی مولد را از بین برده و مانع از توسعه صنایع نوینی و دانش‌بنیان می‌شود. در نتیجه، کشور به واردات کالاهای ساخته‌شده از همان مواد اولیه‌ای که خود صادر کرده، وابسته می‌گردد. این وابستگی، قدرت رقابت‌پذیری محصولات داخلی را در بازارهای جهانی کاهش می‌دهد. علاوه‌بر این، خام‌فروشی با پیامدهای منفی زیست‌محیطی، توزیع ناعادلانه ثروت، گسترش رانت و فساد و استفاده سیاسی از درآمدهای نفتی، انسجام اجتماعی را خدشه‌دار کرده و به بی‌ثباتی سیاسی دامن می‌زند.

برای عبور از ایسن بحران و دستیابی به اقتصادی پایدار و شکوفا، تغییر رویکرد در خام‌فروشی به سمت توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و ارزش‌افزوده امری حیاتی است. این تغییر رویکرد نیازمند سیاست‌گذاری‌های حمایتی در توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه نوآوری، اصلاح نظام مالیاتی و گمرکی برای تشویق صادرات توسعه بازارهای جدید است. همچنین شفافیت در مدیریت درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی و هدایت آن‌ها به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد، گامی اساسی در این مسیر خواهد بود.

در صورت اجرای این راهکارها و اتخاذ رویکردی جامع و پایدار، می‌توان چشم‌اندازی روشن‌تر را برای اقتصاد کشور ترسیم کرد. توسعه صنایع داخلی، افزایش اشتغالزایی پایدار، دستیابی به استقلال اقتصادی، ارتقای قدرت رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی و بهبود کیفیت زندگی شهروندان از نتایج ملموس این تحول خواهد بود. گذار از اقتصاد مبتنی بر خام‌فروشی به اقتصادی پویا و ارزش آفرین، مسیری دشوار اما ضروری برای تضمین رفاه و توسعه پایدار نسل‌های آینده است.